



اعتراضات جاری توده های زحمتکش نسبت به گرانی و ضرورت اتحاد جنبش های اجتماعی در جبهه ای انقلابی

بدنبال اعلام اجرای طرح موسوم به ”اصلاح یارانه ها“، افزایش جهشی و با برنامه قیمت کالاهای اساسی نظیر، آرد، تخم مرغ و روغن و لبنیات... کلید خورد و بدنبال آن اعتراضات توده های مردم تحت ستم و استثمار به این سیاست ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی اوجی دوباره گرفت و بخش زیادی از توده های زحمتکش مردم در شهرهای مختلف از جمله شهرکرد، اندیمشک، ایذه، جراحی، دورود، اهواز و جوققان به خیابان آمدند. این تجمعات اعتراضی هرچند که با یورش نیروهای امنیتی و ضرب و شتم و دستگیری توأم بود اما مانع از تداوم و گسترش دامنه اعتراضات به استان هائی از جمله کرمانشاه و برخی نقاط دیگر نبود.

ادامه در صفحه ۴

شوک درمائی نئولیبرالی با چراغ خاموش

در روزهای اخیر با حذف سوبسید برخی از کالاهای اساسی شاهد افزایش ناگهانی و چندین برابری قیمت مهمترین و حیاتی ترین اقلام مصرفی در بازار هستیم .

روز دوازدهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ دولت با اعلام حذف ارز ترجیحی و یارانه دولتی برآرد یکباره شاهد افزایش چند برابری قیمت نان فانتزی، ماکارونی و بدنبال آن افزایش قیمت روغن و قند و شکر هستیم که تبعاً این گرانیها به اقلام دیگر مرتبط با این کالاها هم تسری پیدا کرده و یا خواهد کرد.

این روش از افزایش قیمت ها که آنرا باید یکی از اقدامات ”هوشمندانه“ دولت در ادامه پیاده سازی قوانین نئولیبرالیسم با چراغ خاموش نامید با عکس العملهای مختلفی مواجه شد .

پاسخ دولتیان و بطور کلی حاکمیت مثل همیشه ریاکارانه و عوامفریبانه بود از جمله این ادعا که یارانه های در نظر گرفته شده برای اقلامی نظیر آرد و شکر و روغن به جیب قاچاقچیان آرد و گندم میرفت، و یا جنگ روسیه و اوکراین موجب اصلی گران شدن گندم و ذرت و مشتقات آن شده است و یا ورشکستگی مالی دولت باعث شده تا از پرداخت یارانه ها صرف نظر کند و یا بقول یکی از ذوب شدگان در ولایت فقیه ” این اقدام به منظور حفظ پایداری امنیت غذایی کشور بوده و بیشتر از یارانه ای که از آرد برداشته شده است، به مردم پرداخت خواهد شد.“!!

ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه فعالین داخل کشور

بمناسبت اول ماه مه روز جهانی

کارگر

ضرورت تحولات بنیادی در آموزش و فرهنگ



بمناسبت هفتاد و

هفتمین سالگرد

پیروزی بر فاشیسم

روز کارگر و اهمیت آگاهی طبقاتی

اطلاعیه های مشترک

≤ از اعتصاب کارگران و رانندگان شرکت واحد حمایت کنیم!

اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر کشور ضروریست!

≤ خیزش توده ای علیه گرانی و فلاکت، علیه جمهوری اسلامی

≤ سیاست های راسیستی جمهوری اسلامی علیه مهاجران افغانستانی

را قویا محکوم می کنیم!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

شوک درمانی نئولیبرالی با چراغ خاموش

خ - عمو اوغلی

درمانی گرفته تا رواج رانت خواری، فساد و اختلاس های میلیاردی، از زمین خواری گرفته تا جنگل خواری و کوه خواری از چاپ پولهای بدون پشتوانه گرفته تا دستکاری در قیمت ارزها برای خالی کردن جیب مردم و شوک افزایش یکباره قیمت بنزین در دولت روحانی که قبل از آن در دوره احمدی نژاد کلید خورده بود گرفته و اکنون که نوبت آزادسازی قیمت آرد و قند و شکر رسیده است و در نهایت شکل گیری طبقه میلیاردها که پول شان از پارو بالا میروند و اقشار و طبقات فقیر جامعه که از فقر و ناداری فریادشان برآسمان بلند شده است، هیچ برهه ای از تاریخ چهل ساله حاکمیت جمهوری اسلامی که در عین حال تاریخ تحولاتی مهم در ساختار سرمایه داری ایران بوده، بدون اعتراضات و اعتصابات اقشار وسیعی از طبقه کارگر و زحمتکشان نبودیم که به نحوی زیر بحران انباشت سرمایه در جمهوری اسلامی له نشده باشند و یا تیغ پیاده کردن سیاست های نئولیبرالیستی بر گردنشان فرود نیامده باشد. در مقطعی این تحولات با آنچنان خشونت اقتصادی و سرکوب سیاسی مواجه بوده است که توده های مردم به جان آمده را به خیابانها کشانده و خیزشهای عظیم اما بی سازمان و بی برنامه را موجب شده است. ما بارها و بارها به این نکته پرداخته ایم

واقعیت این است که سالها است که شاهد برداشته شدن یکی بعد از دیگری سوبسید کالاهای اساسی مورد نیاز روزمره مردم هستیم این اقدامات تماما برنامه ریزی شده و در راستای استراتژی کلان اقتصادی رژیم و پیاده کردن کامل سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول انجام میگیرد اقداماتی که طبقه حاکم ایران درست چند سال بعد از بحران منجر به قیام ۵۷ و فروپاشی رژیم سلطنت در ایران برای حل بحران اقتصادی و انطباق اقتصاد سرمایه داری ایران با قواعد گردش سرمایه جهانی در دستور قرار داده و به خشن ترین وجهی آنها پیاده میکند. مافیای رسانه ای با جوسازی ماهرانه تلاش میکنند ذهن مردم و بویژه توده های به خشم آمده و محروم را از همین واقعیت منحرف کنند که سردمداران دولت رئیسی در واقع دارند به همان سیاستی ادامه میدهند که دولت های گذشته از رفسنجانی تا روحانی انجام داده اند. از خصولتی سازی کارخانه ها و مراکز تولید تا تعدیل نیروی کار و اخراجهای دسته جمعی و از مقررات زدائی از نیروی کار از جمله خارج کردن کارگران صد ها هزار کارگاه ده نفر و کمتر کارکن از شمول قانون کار تا رواج قراردادهای موقت و سفید امضاء، از پولی سازی آموزش و پرورش، خدمات بهداشتی و

... از همه جالب تر «شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی» است که متناسب به محور مقاومت ... در نامه ای به ابراهیم رئیسی هشدار میدهد که با این گران کردنها «کشور دچار شورش و آشوب خواهد شد».

«فاضل میبیدی»، عضو «مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم» هم در نامه ای خطاب به رئیسی گفته است که «این اقدام دولت برای حذف یارانه ها و گران کردن های پی در پی، شورش گرسنگان را در پی خواهد داشت و شورش از انقلاب خطرناک تر است.» و از این دست استدلالات مخالف و موافق در درون جناح بندی های حاکمیت که یکی از روش های مهم و مرسوم سردمداران رژیم برای انحراف افکار عمومی و فعالین و پیشروان جنبش های اعتراضی است در بوق و کرنا دمیده میشود تا جائیکه برای خوانندگان و شنوندگان بویژه توده های محروم تشخیص درست از نادرست و یافتن پاسخ صحیح به این سؤال که چرا هر از گاهی شوکی به این موثری بر سطح قیمت برخی کالاهای ضروری وارد میشود و چرا دولتها یکی پس از دیگری برغم برخی اختلافات و کشمکش های اقتصادی و سیاسی در اعمال این شوک های ناگهانی متحد عمل میکنند، عاجز می مانند.

که علاوه بر بحران عارض بر نظام سرمایه داری ایران و تاثیر آن بر زندگی و معاش اکثریت توده مردم کارگر و زحمتکش، اما نحوه گذار سرمایه به مرحله نئولیبرالیسم و پیاده کردن آن در کشورهای کمتر توسعه یافته نظیر ایران با اقتصادی عمدتاً دولتی با شوک های متعدد و ویرانگری بر زندگی توده های مردم همراه خواهد بود.

اعمال سیاست هائی نظیر واگذاری شرکت ها و موسسات دولتی به بخش خصوصی، یعنی همان رانت خواران در حاکمیت و یا وابسته بدان، همراه با مقررات زدائی از نیروی کار، برداشتن سوبسید کالاهای اساسی و خصوصی سازی موسساتی نظیر آموزش و پرورش بهداشت و خدمات اجتماعی، پائین نگهداشتن سطح دستمزدها و آزادی دست سرمایه داران و کارفرماها در نحوه استثمار و بکارگیری نیروی کار وده ها مورد دیگر در جائیکه حقوق شاغلین کفاف تامین معیشت خانواده را نمیدهد و بیمه های اجتماعی و حقوق بیکاری همه شمول و مکفی وجود ندارد که پاسخگوی هزینه میلیون ها بیکار و بیکار شده باشد و زمانیکه با اجرای بیرحمانه و توأم با سرکوب این سیاست های اقتصادی ضد انسانی توسط سود پرستان علاوه بر تخریب محیط زیست میلیونها کشاورز از محل کار و زندگی خود کنده و به حاشیه شهرها رانده میشوند و.. روشن است که شوک های وارده به اقتصاد بحران زده نظیر حذف سوبسید کالاهای اساسی مثل آرد، قند و شکر و روغن و غیره که قوت لایموت توده های رنج و کار را تشکیل میدهند و از طرفی تشکل و تحزب مستقل و فراگیری هم وجود ندارد که هدایتگر مبارزات و مقاومت توده های کار و زحمت باشد و هر جنبنده ای در این زمینه با سرکوب و زندان مواجه میشود آنگاه شورش های

اجتماعی اجتناب ناپذیر میگردد . آنچه که ویژه گی شورش های اجتماعی در این روندها و تحولات سرمایه دارانه را تشکیل میدهد همانا فقدان تشکل ، برنامه و رهبری است که بتواند پتانسیل برآمده از بطن جامعه را در جهت عقب راندن طبقه حاکم و حرکت بدون توقف به سمت اهداف معین به نفع زحمتکشان بکار گیرد .

در عرصه اعتصابات کارگری هم ما با ویژه گی هائی مواجه هستیم که آنرا از اعتصابات ناشی از بحران عمومی سرمایه داری متمایز میسازد. از جمله میتوان به این موضوع اشاره کرد که در ایران عمدتاً آن بخش از کارگران دست به اعتصاب

میزنند و اعتصاباتشان رادیکالتر است که آماج خصوصی سازیها و به تبع آن بحران ناشی از آن نظیر تعدیل نیرو، عدم پرداخت بواقع دستمزدها، فروش زمین های کارخانه و تعطیل آن، گرفتن وام های کلان برای راه انداختن موسسه تولیدی و اما در عمل سرمایه گذاری در بخش های سودآور و زود بازده و به امان خدا رها کردن کارگران و.. قرار گرفته اند. نمونه های زیادی را میتوان ذکر کرد که هر کدام از آنها اعتصابات کارگری و تظاهرات و تجمعات را بدنال دارند که اولاً این کارگران نیز عمدتاً پراکنده و فاقد اتحاد حتی در یک رشته معین میباشند و ثانیاً مورد پشتیبانی عملی سایر بخش های شاغل قرار نمی گیرند چرا که آن بخش ها هنوز به دایره این تحولات و در نتیجه بحران ناشی از آن وارد نشده اند و با خطرات ناشی از آن مواجه نیستند.

بنا بر این در این دوره نسبتاً طولانی پیاده سازی کامل مقررات نئولیبرالیسم ما شاهد اعتراضات و اعتصابات مداوم اما پراکنده و فاقد اتحاد فراگیر کارگران و حقوق بگیران جزء نظیر معلمان و بازنشستگان از یک طرف و خیزشهای گاه

بیگانه و گسترده توده های محروم از طرف دیگر هستیم .

رژیم در طی این سالها تلاش کرده است تا با توسل به امکانات مادی و معنوی خود این اقدامات را طوری سازمان دهد که علل بنیادی بحران ناشی از سیاست اقتصادی کلان حاکمیت برای توده های مردم و بویژه پیشروان جنبشهای اعتراضی و پیشگامان آنها قابل فهم و درک نباشد و در نتیجه آنها نتوانند با تحلیل درست و علمی از شرایط مشخص اشکال و شیوه های متناسب مبارزه و تشکل و اتحاد را در مقابله با تعرضات طبقه حاکم در پیش گیرند.

به عبارت دیگر جمهوری اسلامی در مسیر پیاده کردن این سیاست اقتصادی کلان فارغ از اینکه کدام جناح از حاکمیت دولت را اداره میکند سعی کرده تا با چراغ خاموش حرکت بکند تا ماهیت واقعی بحران اقتصادی و روند ادامه دار سیه روزی توده های زحمتکش مردم آشکار نگردد . در این برهه زمانی نیز رئیسی که با وعده ”تصمیمات سخت اقتصادی“ به میدان آمده بود و اکنون معلوم میشود که این ”تصمیمات سخت“ همچون دوره روحانی نه سختگیری بر رانت خواران و سرمایه سالاران و غارتگران دسترنج توده های کار و زحمت آنگونه که عوامفریبانه ادعا میکرد بلکه همانا تصمیمات سخت اقتصادی برای بریدن نان سرفسره زحمتکشان و گران کردن نان و قند و شکر و روغن و تبغات آنها به همراه تشدید سیاست سرکوب و تحمیل ریاضت اقتصادی ضد انسانی بر اکثریت محروم جامعه بوده است.

خ- عمواغلی

اردیبهشت ۱۴۰۱

در مبارزه طبقاتی جاری، در شرایط متحول کنونی برای متحد شدن جنبش های اجتماعی توده های کار و زحمت زیرچتر جبهه ای انقلابی از هیچ کوششی فرو گذار نکنند.

اعتراضات جاری توده های زحمتکش نسبت به گرانی و ضرورت اتحاد جنبشهای اجتماعی در جبهه ای انقلابی

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی
زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۲۳
اردیبهشت ۱۴۰۱**

” تاریخ کلیه جوامع تا این زمان تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است ”
تاریخ مبارزه طبقاتی یعنی مبارزه طبقات استثماری و استثمار شونده، میان طبقات فرمانروا و طبقات زحمتکش، برده و آزاد، رعیت و مالک، کارگر و سرمایه دار، با یکدیگر که مهر و نشان خود را بر تمامی وقایع تاریخ بشر و تحول و تکامل آن بر جای می گذارد.
اما تلاش و مبارزه محرومان و زحمتکشان در طول تاریخ، خود انعکاسی از شیوه مسلط تولید و مبادله اقتصادی و جایگاه این طبقات در تولید اجتماعی بوده است. مبارزه بردگان علیه برده داری، از حد لغو برده داری و تلقی رعیت، صنعتکار، پیشه ور و... از آزادی، از چهارچوب رهایی از بند نظام فئودالی و آزادی در مالکیت و کسب و کار و... فراتر نبوده است. هر چند که این مبارزات با آرزوها و تمایلات مساوات طلبانه و آزادیخواهانه توأم بوده اند. تمام طبقاتیکه در گذشته به حکومت میرسیدند تلاش می کردند تا مناسبات بهره کشانه موجود را تثبیت کنند و آنرا تابع خویش سازند. اما با ظهور طبقه کارگر بعنوان نیروی عظیم تولیدی رها از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، معنی آزادی و برابری دگرگون شد، طبقه کارگر نمی تواند آزاد شود مگر کل جامعه را از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و تقسیم جامعه به طبقات آزاد کند.

... انداختن بین توده های مردم از یکسو و تشدید سرکوب ازسوی دیگر آنها را از اعتراضات سراسری باز دارد.
تبعات موج اخیرافزایش قیمت ها در شرایط پائین بودن سطح دستمزدها و بیکاری میلیونی، ورشکستگی مراکز تولیدی و بحرانهای زیست محیطی و نبود آزادیهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، توده های هرچه بیشتری از کارگران و زحمتکشان و نیروی آزادیخواه جامعه را به میدان مبارزه سوق خواهد داد. اما همانطور که بارها گفته ایم و تجربه هم ثابت کرده است جنبشهای اجتماعی موجود و نیز اعتراضات و خیزش های متعددی که در نتیجه فوران خشم توده های رنج و کار بوقوع می پیوندند هر چند که در ارتقاء سطح آگاهی و عقب راندن رژیم نقش مهمی بازی میکنند اما پیروزی قطعی آنها بدون سازمانیافتگی در محیط کار و زیست و نیز اتحاد جنبش های اجتماعی پیشرو در جبهه ای انقلابی و فراگیر ممکن نخواهد بود.

**ما بار دیگر از پیشگامان جنبش -
های اجتماعی موجود و پیشروان
جنبش کارگری، معلمان، زنان،
دانشجویان و نمایندگان
سایر جنبش های اجتماعی و
آزادی خواه و سوسیالیست دعوت
میکنیم ضمن شرکت عملی**

رژیم اسلامی بموازات مقررات زدائی و یورش به حقوق و دستاوردهای نیروی کار و زحمت و حذف بسیاری از یارانه های کالاهای اساسی و مورد نیاز روزمره مردم در سالهای گذشته، اکنون حذف یارانه کالاهای حیاتی دیگری را صادر نموده است. ابتدا با اعلام قیمت های جدید بر کالاهای نظیر مرغ کیلویی ۶۰ هزار تومان - تخم مرغ هرشانه ی ۳۰ عددی ۷۶ هزار تومان - تخم مرغ (یک کیلو) ۴۰ هزار تومان روغن مایع خوراکی (بطری ۸۰۰ گرمی) ۶۰ هزار تومان - روغن جامد (۵ کیلویی) ۳۸۰ هزار تومان - شیر (نایلون ۸۰۰ گرمی) ۱۵ هزار تومان - پنیر (بسته ۴۰۰ گرمی) ۳۸ هزار تومان -
در این لیست قیمت برخی کالاها که قبلا هم گران بود، تا ۳۰۰ درصد افزایش داشته است.
بدون تردید رهبران رژیم جمهوری اسلامی از عکس العمل شدید توده های مردم نسبت به افزایش قیمت این کالاها آگاه بوده اند و به همین خاطر نیز به ترفند جدیدی متوسل شدند و با انداختن فاصله سه روزه بین اعلام قیمت ها و اجرائی شدن آن، بخش زیادی از مردم را در صفهای طولانی خرید اظطراری و انبار کردن این کالاها مشغول بکنند تا بتوانند از عهده سرکوب بخش دیگری از مردم معترض و عمدتا فقیرتر جامعه بر بیایند.
در حالیکه افزایش ناگهانی قیمت کالاهای اساسی فوق به افزایش زنجیره وار سایر قیمت مایحتاج اولیه نیز منجر خواهد شد و رژیم تنها در کوتاه مدت میتواند با شکاف



از اعتصاب کارگران و رانندگان شرکت واحد حمایت کنیم! اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر کشور ضروریست!

از روز ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ رانندگان بی‌ارتی و کارگران سامانه‌های مختلف شرکت واحد در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌هایشان از جمله افزایش دستمزد حداقل ۵۷ درصد مصوب شورای عالی کار دست به اعتصاب و تحصن زدند. دولت کارفرمای شرکت واحد با هدف دزدی از سفره کارگران با افزایش فقط ده درصدی دستمزد ها اعلام توافق کرده است در حالیکه که شورای ضد کارگری کار، اول سال افزایش ۵۷ درصدی را برای حداقل دستمزد امسال اعلام نموده بود و برغم عدم تطابق این مبلغ با نرخ تورم و افزایش روزمره هزینه‌های زندگی و نیز تفاوت فاحش آن با مطالبه کارگران در حد ۱۶ میلیون تومان، اما مدیریت ضد کارگری شرکت واحد حتی از اجرای این تصمیم ارگان ضد کارگری بالا دست خود نیز طفره رفته است.

اعلام توافق مدیریت شرکت واحد با فقط ده درصد افزایش دستمزد نشان دهنده عمق سیاست ضد کارگری دولت و مدیریت شرکت واحد در مورد کارگران است که بدرستی مورد اعتراض کارگران قرار گرفته و آنها با اعلام اعتصاب و تحصن صف متحدی را در مقابل کارفرما و سیاست‌های ضد کارگری آن تشکیل دادند. متعاقب همین اقدام متحد بود که شهردار تهران بعنوان کارفرمای شرکت واحد برای جلوگیری از گسترش اعتصاب تلاش کرد با دادن وعده و وعیدهای پوچ و قول افزایش دستمزد تا چهل درصد کارگران را فریب داده و به اعتصاب پایان دهند، اما کارگران با عزمی راسخ به ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواست‌هایشان پای فشردند. متعاقب تصمیم کارگران برای ادامه اعتصاب، نیروهای سرکوبگر رژیم در یک اقدام انسان ستیزانه ۱۲ نفر از رانندگان را بازداشت و روانه زندان اوین نمودند. اما نه اقدامات سرکوبگرانه حاکمیت و نه تلاش تفرقه افکنانه مدیریت نتوانسته است در اراده اعتصابیون خلل ایجاد کند. آنها برغم تهدیدات نیروهای امنیتی به اعتصابشان نارسیدن به خواست‌هایشان ادامه می‌دهند.

خواسته‌های کارگران اعتصابی شرکت واحد از جمله افزایش دستمزد ها در شرایط گرانی سرسام آور مایحتاج اولیه زندگی، خواست همه کارگران و زحمتکشان است و ضروری است بوسیله بخش‌های مختلف کارگران و زحمتکشان پشتیبانی و حمایت شوند.

اعتصاب کارگران شرکت واحد در شرایطی آغاز شده است که طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش با اعتراضات عمومی علیه گرانی و افزایش چند برابری قیمت مایحتاج اولیه معیشت نظیر نان، روغن و قند و شکر در شهرهای مختلف کشور به مصاف نظام سرمایه‌داری حاکم برخاسته‌اند. اعتصابات و اعتراضات معلمان، بازنشستگان بیکاران، کشاورزان، حاشیه‌نشینان و کارگران بخش‌های مختلف صنعت، معدن، حمل و نقل، زنان، جوانان و دانشجویان به اشکال مختلف جریان دارد و رژیم به عبث می‌کوشد بامتهم نمودن فعالین جنبش‌های اجتماعی به داشتن ارتباط با خارج کشور و یا نهادهای مستقل سندیکائی در جهان و سناریوسازی رسوای صدا و سیما برای دستگیری فعالین سیاسی و مدنی توجیه تراشیده و به ستمگری و سرکوبگری خود ادامه دهد. در چنین شرایطی همبستگی بخش‌های مختلف حمل و نقل با کارگران اعتصابی شرکت واحد و نیز تلاش برای اتحاد جنبش‌های اجتماعی با جهت‌گیری ضد سرمایه‌داری از ضروریات پیشروی جنبش انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب نظام استثمارگرانه و ستمگرانه حاکم است.

اتحاد سراسری جنبش‌های انقلابی کارگران، معلمان، زنان و جوانان بیکاران میتواند چشم‌انداز سرنوشتی طبقه حاکم و بدست گرفتن سرنوشت خود از طریق استقرار نظامی مبنی بر حاکمیت شورایی را در مقابل مبارزات مان بگشاید.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن پشتیبانی از خواستها و اعتصاب رانندگان و کارگران شرکت واحد بار دیگر کارگران سایر بخش‌های مختلف حمل و نقل را به پیوستن به اعتصاب کارگران شرکت واحد و تقویت صفوف آنها فرا می‌خواند و خواستار آزادی بی‌قید و شرکت کارگران دستگیر شده شرکت واحد و معلمان و سایر زندانیان سیاسی میباشد.

پیروز باد اعتصاب کارگران شرکت واحد

گسترده باد اتحاد و همبستگی صفوف کارگران و زحمتکشان و کلیه مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم

سرنوشت باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ برابر با ۱۹ مه ۲۰۲۲

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب

کمونیست کارگری - حکمیتیست، سازمان راه کارگر، سازمان

فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

ضرورت تحولات بنیادی در آموزش و

فرهنگ

شوراها علاوه بر اعلام برابری حقوق خلقهای ساکن سرزمین روسیه، کوشش های عظیم و طاقت فرسایی انجام گرفت تا برابری و تساوی ملل در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز تامین گردد. عقب ماندگی ها و اختلافات عمیق اقتصادی و فرهنگی که طی قرون متمادی بوجود آمده بودند و مقاومت هائیکه در برابر تحولات نوین از طرف ضد انقلاب و با تکیه بر مذهب، قومیت و عقب ماندگی فرهنگی سازماندهی میشد، موانع متعددی را در برابر تلاش برای سازماندهی زندگی نوین بوجود آورده بود. دولت شوراها میباید آنچنان عمل میکرد که بتواند عقب ماندگی ها را نه در طول قرنها، بلکه در مدت چند دهه از میان بردارد. لنین با عطف توجه به همین وضعیت بود که میگفت «ما صبر نمیکنیم، حزب ما قدرت پیکار با همه عقب ماندگیها را در خود دارد».

تامین کار، نان، مسکن، آزادی بدون ارتقاء سطح فرهنگ و عقب ماندگی عمومی امر ناممکنی مینمود و دولت جوان شوراها از بین بردن بیسوادی در سراسر جمهوریهای شوروی را از نخستین اهداف خود برمی شمرد. مبارزه با بیسوادی و عقب ماندگیهای فرهنگی بمنظور برانداختن نابرابری های عمیقی بود که از گذشته به ارث رسیده بود.

سیستم شوراها و حزب بلشویک، در شرایطی برنامه ارتقاء سطح سواد و فرهنگ توده های مردم را در دستور روز قرار داده بودند که هنوز ضدانقلاب در تمام کشور با پشتیبانی کشورهای سرمایه داری مشغول سازماندهی و مقابله با انقلاب کارگری و بشکست کشاندن آن بود. مدرسه های تازه تاسیس آتش زده میشدند آموزگاران به قتل میرسیدند و دستجات ارتجاعی قومی و مذهبی به جان فعالین حزب و توده های مردمی که از انقلاب و اقدامات سوسیالیستی دفاع میکردند، میافتادند. مبارزه با بیسوادی همراه با مبارزه برای تامین نان، کار، مسکن برای همه مردم، ایجاد مدرسه و آموزشگاه برای همه کودکان، کمک به خلقهای مختلف ساکن شوروی برای آموزش زبان مادری که قبلا از آن محروم بودند، اهداف بزرگی بودند که میبایست توسط قدرت شوراها در کشور پهنای و عقب مانده روسیه آن زمان متحقق میشدند.

با وجود همه مشکلات و موانع اقتصادی، سیاسی

و اجتماعی جامعه را دگرگون کند و به همراه این دگرگونی سیستم آموزش و پرورش و فرهنگ حاکم را نیز دگرگون سازد در همین رابطه تجربه انقلاب اکتبر در سهای گرانبهای برای ما برجای گذاشته است و تجربه تاریخی نشان میدهد که بقول لنین "سوسیالیسم تنها نظام اجتماعی است که میتواند آموزش و فرهنگ را بطور کامل در اختیار توده مردم قرار دهد".

نقش انقلاب اکتبر در تحول آموزش و فرهنگ خلقهای اتحاد شوروی

زمانی که انقلاب اکتبر به پیروزی رسید خلقهای سراسر روسیه، بویژه ملل آسیای میانه از بیسوادی، عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی رنج میبردند و مذهب، خرافات، زن ستیزی، علم ستیزی، تبعیضات مختلف جنسی، ملی و مذهبی، در جامعه بیداد میکرد.

خانواده ها از فرستادن فرزندانشان به مدارس جلوگیری میکردند، زنان و دختران بدون اجازه مردان خانواده حق بیرون رفتن از خانه را نداشتند. زنانیکه از دستورات روحانیون و مردان خانه سرپیچی میکردند، به طرز فجیعی شکنجه و به قتل میرسیدند.

تا قبل از انقلاب اکتبر ۸۰ درصد مردم روسیه بیسواد بودند، از هر پنج کودک چهار نفر آنها اصلا امکانات مدرسه رفتن را نداشتند. در مناطقی آسیائی وضعیت بمراتب بدتر بود و در عقب ماندگی فرهنگی و هشتتانی که سرمیبردند. در تاجیکستان ۸/۹۹ درصد، در قیرقیزستان ۷/۹۹ درصد، در گرجستان ۷/۹۹ درصد و در آذربایجان و ترکمنستان نیز ۹۹ درصد زنان و مردان بی سواد بودند.

بعد از انقلاب اکتبر بوسیله قدرت دولت

این روزها شاهد اعتراضات گسترده معلمان در سراسر کشور هستیم.

معلمان کشور همچون سایر اقشار اجتماعی زحمتکش جامعه، با حقوقی که میگیرند قادر نیستند حداقل معیشت روزانه خود را تامین بکنند و اغلب ناچارند بعد از اتمام کار رسمی بجای استراحت و بودن در کنار خانواده، به کارهای جنبی و اغلب دشوار و فاقد ایمنی و بهداشت محیط کار مبادرت ورزند تا بلکه بتوانند کسری بودجه خانواده را جبران کنند.

طی سالهای گذشته در نتیجه افزایش هزینه های زندگی و فشار اقتصادی و تشدید سرکوبگری رژیم، اعتراضات معلمان از اوائل دهه نود شکل نسبتا منسجم تری بخود گرفت و امسال بویژه در تجمعات اعتراضی بمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر و طرح خواست ها و مطالبات صنفی و سیاسی و برخی مطالبات اجتماعی و فرهنگی، فضای سیاسی کشور را تحت تاثیر قرار دهند. معلمان کشور علاوه بر مطالبات صنفی خواست هائی را در عرصه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نیز مطرح کردند که در عین حال خواست و مطالبه سایر کارگران و زحمتکشان نیز است همچون تحصیل رایگان و با کیفیت برای تمامی کودکان، تامین اجتماعی، افزایش حقوق، حق داشتن مسکن و بهداشت رایگان .. به همین دلیل ما اتحاد کارگران، معلمان و کشاورزان و دیگر جنبشهای اجتماعی را زیر چتر جبهه ای انقلابی هم ضروری و هم امکان پذیر میدانیم چراکه بدون اتحاد جنبشهای انقلابی بویژه طبقه کارگر و زحمتکشان، رسیدن به پیروزی ممکن نیست.

همانطور که معلمین در اعتراضات اخیرشان اعلام کردند مشکلات آموزش و پرورش و ارتقاء سطح زندگی معلمان در جامعه ما به تحولات بنیادی نیاز دارد تحولاتی که بتواند کل مناسبات اقتصادی

زن روستائی تحقیر شده و تحت ستم مضائقه را به صاحب سرنوشت خود تبدیل نمود.

برای طبقه کارگر و کمونیستهای دوران ما تجربیات انقلاب اکتبر و دست آوردهای آن و نیز انحرافات و سرانجام آن رهنمون عمل و چراغی است که راه مبارزه برای تحقق سوسیالیسم را روشن میکند.

اینها اشاراتی بود مختصر به دستاورد ها و پیامد های درخشان انقلاب سوسیالیستی اکتبر که علاوه بردستاورد های اجتماعی، اقتصادی و مدنی و فرهنگی، نیازمندیهای مختلف آموزشی و بهداشتی نحوه زندگی و طرز تلقیات و تفکرات میلیونها انسان را در کشور عمدتاً دهقانی و عقب مانده تغییر داد. انقلاب اکتبر "موژیک" تحقیر و استثمار شده و غرقه در خرافات و فقر و بدبختی و

فرهنگی و ساختارهای بسیار کهن به ارث رسیده از دوران تزاری، دولت شوروی نه فقط برابری و حق آموزش رایگان و همگانی را در سراسر اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرد، بلکه شرایط عملی تحقق آنرا نیز در دورافتاده ترین نقاط کشور فراهم نمود.

بعد از پانزده سال، یعنی در سال ۱۹۳۲ اتحاد شوروی اولین کشوری در جهان بود که به بیسوادی درسراسر کشور بزرگ شوراها پایان داد. انقلاب اکتبر و استقرار سوسیالیسم شرایطی را بوجود آورد که بنا به اعلام یونسکو در دهه ۷۰ «مردم شوروی نه تنها بیشتر از مردم جهان کتاب میخوانند بلکه پرتیراژترین روزنامه های جهان نیز در این کشور منتشر میشوند.» انتشار بیش از ده هزار روزنامه با تیراژ ۱۵۴ میلیون نه فقط به زبان روسی بکه به ۵۷ زبان خلقهای ساکن این کشور، از جمله دست آوردهای انقلاب اکتبر بود. در شوروی در سال بیش از ۵ هزار عنوان کتاب منتشر میشد و تیراژ آن در سال ۷۹ اندکی قبل از سقوط این کشور به یک میلیارد و هفتصد میلیون میرسید. یعنی ۱۴ برابر ایالات متحده آمریکا، کتاب منتشر میشد. در این کشور بیش از ۳۶۰ هزار کتابخانه عمومی وجود داشت که هر سال نزدیک به یک میلیارد کتاب بین اهالی توزیع میکرد. در عین حال همه کارخانه ها، مراکز عمومی، محل کار، تشکلهای توده ای، مدارس و آموزشگاه ها نیز دارای کتابخانه بودند.

بر اساس آمار یونسکو، اتحاد شوروی در ترجمه و تالیف و توزیع کتاب در جهان مقام اول را احراز میکرد. در شهرها و روستاهای شوروی ۱۳۴ هزار کلوب فیلم، رقص و آواز، تاتر، موزیک، هزاران ارکستر سمفونیک، فیلارمونیک و اپرا، پذیرای میلیونها نفر از اهالی شهر و روستا بودند. ۱۵۷ هزار تاتر، ۱۷۵ هزار سالن سینما و هزاران مراکز فرهنگی فعال بودند.

انقلاب اکتبر آموزش و فرهنگ را برای اولین بار در تاریخ جوامع بشری بدون تبعیض در دسترس عموم توده های مردم قرارداد و آموزش و پرورش را از ابتدا تا انتها مجانی کرد.

لنین میگفت «سوسیالیسم تنها نظام اجتماعی است که میتواند آموزش و فرهنگ را بطور کامل در اختیار توده مردم قرار دهد»

از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

تحصیل

* بمنظور تأمین و تضمین ارتقای سطح دانش کارگران و زحمتکشان، جوانان، مالکیت خصوصی و روابط و مناسبات ناشی از آن از سیستم آموزش و پرورش برچیده می شوند و با دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی کشور بر مبنای آخرین دستاوردهای علمی و فنی در زمینه آموزش و پرورش، امکانات تحصیلات رایگان و همه جانبه برای کلیه شهروندان تضمین می شود.

بهداشت و درمان

* با لغو مالکیت خصوصی بر بهداشت و درمان، امتیازات طبقاتی در استفاده از امکانات بهداشتی کشور از میان خواهد رفت و بهداشت و درمان برای همه رایگان خواهد بود. درمانگاهها، بیمارستانها، مراکز بهداشتی. درمانی و آموزشی، مکانهای ورزشی و تفریحی متناسب با نیاز های مردم گسترش خواهند یافت.

* ایجاد اماکن و موسسات نگهداری از سالمندان، معلولین و کسانیکه به دلایل نقص عضو و از دست دادن سلامتی قادر به کار نیستند، ایجاد مراکز سرگرمی و تفریح برای سالمندان رایگان خواهد بود.

مسکن

داشتن مسکن مناسب حق هر انسانی است. جمهوری شورایی ایجاد مسکن مناسب مدرن و مجهز برای کلیه شهروندان را هدف فوری خود قرار می دهد و با قطع سلطه سرمایه داران، محتکرین و دلالان از امور مسکن و کار و زندگی مردم، امکان دسترسی همه شهروندان به مسکن مناسب را تضمین می کند.

امور اقتصادی و مالکیت

جمهوری شورایی، آغاز جامعه به ساختمان سوسیالیسم است، در سوسیالیسم مالکیت خصوصی بورژوائی بر ابزار تولید و مبادله اجتماعی می شوند. اقتصاد از طریق تولیدکنندگان آزاد و متشکل سازمان می یابد.

با وجود اینکه مالکیت ابزار تولید و مبادله به مالکیت اجتماعی در میاید. اما این امر یک شبه صورت نمی گیرد، دوران ساختمان سوسیالیسم سرشار از تحولات و پیشروها و عقب نشینی هاست. در جمهوری شورایی با توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران و با در نظر گرفتن شرایط و مناسبات حاکم، از سلب مالکیت کنندگان سلب مالکیت می شود و در اختیار صاحبان واقعی، یعنی تولیدکنندگان متشکل در شوراها و نهادهای مردمی قرار می گیرد.

* در جمهوری فدراتیو شورایی که بر ویرانه های جامعه سرمایه داری بنا می شود کلیه موسسات مذهبی، دولتی، شرکتها. صنایع و کارخانجات، کارتل ها و تراست ها و کلیه وسایل تولید و مبادله در دست اشخاص حقیقی و حقوقی را به صاحبان واقعی آنها یعنی تولید کنندگان آزاد متحد و متشکل موسسات باز می گردد و سلطه سرمایه داران و دلالان و محتکرین بر می افتد.

* در جمهوری فدراتیو شورایی گذران از طریق بهره، ربا و نظایر اینها ممنوع و جرم محسوب می گردد و هر شخص قادر به کار که کار نکند نمیخورد.

روز کارگر را به روز خروش علیه رژیم حامی سرمایه داران بدل کنیم

فعالین داخل کشور

حول خواسته های صنفی آنها از این رژیم پلید ضد انسانی ره به جایی نخواهد برد همانطور که در طی این سالها نبرده . برپایی تجمعات صرفا برای مطرح کردن خواسته های صنفی و معیشتی فقط به عنوان سوپاپ اطمینانی برای تخلیه خشم و عصیان توده ها عمل میکند و به همین دلیل اعتراضات کارگران و معلمان و بازنشسته ها ... با کمترین برخورد سرکوبگرانه از سوی رژیم روبرو و در اصل توسط رژیم تحمل میشود ولی این واقعیت را نباید منکر شد که در سایه رژیمهای فاشیست و ددمنشی چون جمهوری اسلامی هیچگاه نباید امید گشایش و بهروزی داشت ، تنها راه ، متحد شدن و برپایی اعتراضات سراسری و اعتصابات گسترده و به چالش کشیدن موجودیت این رژیم است . تحقق آزادی ، برابری ، رفاه ، امنیت ، پیشرفت و توسعه تنها در سایه سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری شوراها ، استقرار سوسیالیسم ممکن است . اینک رژیم در ضعیفترین و ناتوان ترین دوره حیات ننگین خود قرار دارد و میبایست روز کارگر را به نقطه آغازین برپایی اعتراضات گسترده و متحد بر علیه گرانی و بیکاری و فقر بدل کنیم . ” باید از ریشه براندازیم کهنه جهان جور و بند ” ” وانگه نوین جهانی سازیم هیچ بودگان هر چیز گردند ” .

زنده باد اتحاد وهمبستگی کارگران و زحمتکشان
مرگ بر جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی
زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فداییان کمونیست - فعالین داخل کشور

تهران ۷/۲/۱۴۰۱

اعتراضات ادامه دار خواهد بود و ابعاد وسیعتری میآید و موجب جری شدن دیگر اقشار مزد بگیر و تضعیف اقتدار حاکمیت خواهد شد و در عین حال آن سرزمین با ثبات و ارزان موعودی که همواره از ابتدای شکل گیری جمهوری اسلامی برای فراهم کردن هر چه مطلوبتر غارت گری و چپاول سرمایه داران ترسیم میکرده ، مورد خدشه واقع خواهد شد ، حتی اکنون که برای سال جدید شورای عالی دستمزد افزایش ۵۷ درصدی دستمزد را مصوب کرده با گذشت دو ماه از سال جدید و فشار سرمایه داران زمزمه تشکیل دوباره شورای عالی کار و بازننگری در این افزایش به گوش میرسد (هر چند این افزایش هم کمترین تاثیری در بهبود وضعیت معیشتی کارگران ایجاد نمیکند) . نمیتواند چون رژیم به نهایت ورشکستگی و درماندگی رسیده و حتی در پرداخت حقوق کارکنان و پرسنل و بازنشستگان اداری و نظامی ارگانهای دولتی عاجز شده ، با توجه بر اینکه حفظ و کمک به مزدوران و باندهای مخوف و جنایتکار دست پرورده خود در کشورهای منطقه را که مجری ایجاد آشوب در منطقه و متضمن بقاء اش هستند ، در اولویت اول خود قرار داده است ، تمامی درآمدها در وحله اول نسیب این مزدوران میشود .

واقعیت این است که قیام گرسنگان به کابوسی برای رژیم بدل شده و همانطور که کارگزارانش طی این چند سال اخیر به کرات بیان کرده اند هراس از تحقق این کابوس آرامش را از سرمایه داران و رژیم حامیشان ربوده . متوقف شدن همه اعتراضات پراکنده

بار دیگر در آستانه روز باشکوه وعظیم کارگر قرار داریم ، روزی که لرزه بر اندام سرمایه داری میاندازد و قدرت واقعی طبقه کارگر متحد را به وضوح عیان میکند . در ایران طبقه کارگر ، در شرایط اسفباری بسر میبرد، گرانی و بیکاری و فقر به شدت زندگی و معیشت و بهداشت توده های کار و زحمت را در خطر قرار داده و روز به روز بر تعداد گرسنگان و بیخانمانها و زباله گردها افزوده میشود و رژیم فاسد جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن و تداوم سیاست های سرکوبگرانه و ارتجاعی خود، شرایط تداوم غارتگری و استثمار کارگران و زحمتکشان و ثروتهای این سرزمین را توسط سرمایه داران مطلوبتر میکند .

اکنون تامين معیشت روزانه به اصلی ترین دغدغه کارگران بدل شده و همه اعتراضات صنفی حول دریافت حقوق معوقه و افزایش آن مطابق تورم موجود است و تاکنون کارگران ، کشاورزان، معلمان ، پرستاران ، بازنشستگان ، کارکنان شهرداریها ، پرسنل نظامی و انتظامی و آتش نشانی ، کارمندان مخابرات و نفت تنها پاسخی که برای خواسته های صنفی و معیشتی خود گرفته اند گاز اشک آور و باتوم و بازداشت و زندان و شکنجه بوده ، این رژیم ددمنش بیش از چهار دهه همواره چنین عمل کرده است .

نکته اصلی این است که جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند به خواسته های صنفی کارگران و زحمتکشان پاسخ دهد . نمیخواهد چون همواره بر این باور بوده وهست که پذیرفتن و اجابت کوچکترین خواسته ،

"ستاره سرخ"

روز کارگر و اهمیت آگاهی طبقاتی

بیمه و مرخصی نمیدهد، از حقوق شغلی و انسانی کارگزارانش چیزی برایشان نمیگوید و تنها کارگر را به چشم ماشین تولید پولی میبیند که باید تمام سعی اش را بکند که با حداقل ورودی بیشترین خروجی را تحویل صاحب کارش (یا همان اربابش!) بدهد. اما با تمام اینها هنوز که هنوز است سرمایه داری و سیستم سرمایه داری از کارگر میترسد. در همین ایران خودمان هر سال که نزدیک یازدهم اردیبهشت میشویم صدا و سیما شروع میکند به پخش گزارشها و مستندهای سفارشی که مثلا نشان دهد وضع کارگران در ایران اگر نگویند عالیست حداقل از خیلی جاهای دیگر بهتر است و قطعا بهتر هم خواهد شد، چرا که فلان رئیس جمهور یا فلان وزیر جدید سر کار آمده و این آقا خودش کارگر بوده و قطعا هوای کارگران را خواهد داشت! اما این حناها و ترفندهای پروپاگاندایی دیگر برای کمتر کسی رنگ دارد چرا که مردم هر چقدر هم تحت تاثیر فضا و جو رسانه ای و تبلیغاتی باشند در نهایت با واقعیات ملموس سروکار دارند نه با اعداد و ارقام! کارگری که برای خرید ابتدایی ترین مایحتاج زندگی اش در مضیقه است و توان تهیه ی نخستین ضروریات برای خانواده اش را ندارد دیگر کاری به مرکز آمار ندارد که چه شاخصی را از رفاه زندگی کارگران نشان میدهد و یا فلان قانون حمایتی در سال گذشته چند درصد حقوق کارگران را افزایش داده و این همان چیزی است که حکومت را از ترس به لرزه درمی آورد چرا که حاکمان میدانند افزایش حقوقها (که ۹۰ درصد مواقع

بر این اساس کارگران تنها در درجه ی استثمار متفاوتند و گرنه اساس زیر یوغ بودن برای همه ی آنها ویژگی مشترک است. در هرم سرمایه داری کارگران در پایین ترین بخش قرار دارند و تمام هرم بر روی شانه های این طبقه بنا شده است، این یعنی بنیادی ترین طبقه ی جامعه کارگران اند چرا که اگر سرمایه داران نباشند اتفاق خاصی نخواهد افتاد: کارگران میمانند و سرمایه ای که به راحتی میتوان بین همه تقسیم نمود. اما اگر کارگران نباشند سرمایه داران میمانند و حسابهای بانکی که آن موقع دیگر تنها یک مشت عدد و رقم بی کاربرد اند! این اساسی ترین تفاوت میان دو طبقه است طبقه ی حاضری بخور و طبقه ی زحمت کشان. اما سیستم سرمایه داری برای این طبقه ی بنیادین و فوق العاده مهم چه ارزش و جایگاهی قائل است؟ هیچ! سرمایه داری در بسیاری از کشورها حتی از گنجاندن نام روز کارگر در تقویم هراسناک است، در بسیاری از کشورها از جمله ایران راهپیمایی و تظاهرات در روز جهانی کارگر ممنوع است، در اکثر کشورها روز کارگر تنها روی کاغذ برای کارگران تعطیل است و اگر کارگری در این روز سرکار حاضر نشود با توبیخ و کسر حقوق مواجه خواهد شد، سالهای سال از نخستین مبارزات کارگری و تصویب قوانین به اصطلاح مدافع کارگران میگذرد اما همچنان سندیکا و اتحادیه داشتن گناه کبیره است و فعالیت صنفی در حکم جنایت علیه بشریت! هنوز هم در اکثر نقاط جهان کارفرما تا میتواند به بهانه های مختلف از دستمزد کارگرش میزند، حق

امروز روز کارگر است؛ روز زحمتکشانش، روز مردمان پردرد، جماعت زحمت‌های بی حاصل، دونده های بدون خط پایان، انتخاب کنندگان بین بیکاری و بیگاری! زنان دور از خانه و مردان دور از خانواده، کودکانی که به جای نشستن در کلاس درس مدرسه مجبورند در کلاس درس زندگی حاضر باشند آن هم با بی رحم ترین پرسنل آموزشی! کارگر نه سن می‌شناسد نه جنسیت، نه قوم نه نژاد نه زبان، نه مدرک... کارگران تنها یک ویژگی مشترک دارند، همه استثمار میشوند! هنوز که هنوز است خیلی ها با شنیدن واژه‌ی "کارگر" مردی را متصور می‌شوند که کلنگی در دست دارد و کنار خیابان می‌نشیند و منتظر است تا کار فرمایی پیدا شود و چند ساعت او را به خدمت گیرد. اما حالا گستره‌ی معنایی کارگر بسیار وسیع تر از این حرف هاست و کارگر دیگر تنها به شکل سنتی آن وجود ندارد، از دهقانان و کشاورزان مزد بگیر گرفته تا فروشندگان بزرگترین هایپر مارکت های زنجیره ای، از بلیط فروش سینما تا تکنسین های ابر شرکت‌های بین المللی، از کسی که روی ماشین دیگری کار میکند تا شاغلین در امور خدماتی همه و همه کارگرند حتی بر اساس نظر برخی تئوریسین‌های نئومارکسیست بسیاری از مشاغل دیگر نیز در واقع کارگر حساب میشوند. از پرستاران و دکترها گرفته تا نویسندگان و اساتید دانشگاه! چرا که کارگر طبق یکی از تعاریفش شخصی است که ابزار تولیدی در اختیار ندارد و مجبور است با فروش نیروی کار خود (چه یدی و چه فکری) کسب درآمد کند.

از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

نظام سوسیالیستی تجلی سازماندهی نوین جامعه ای است که مبانی آن پاسداری از حقوق انسانی و ایجاد شرایط رشد تمامی آحاد و اعضای جامعه بشری می باشد.

جامعه ای که هدف آن آزادی واقعی بشریت از تمامی قیود و مصائبی است که نظامهای طبقاتی تاکنونی به پای بشریت زنجیر کرده اند. این نظام اشتراکی تنها به تغییر در مناسبات اقتصادی و سیستم اداره جامعه خلاصه نمی شود، بلکه بطور همزمان وسیع ترین و پیگیرترین آزادیهای سیاسی و دستیابی به ارزشهای فرهنگی مناسب با این ساختار اقتصادی - اجتماعی را بوجود میآورد. سوسیالیسم پایان راه و فراماسیون اجتماعی اقتصادی ثابتی نیست، بلکه دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم است. در این دوره سنت ها، آثار و عواقب جامعه کهن باقیست و بورژوازی سرنگون شده برای احیای مجدد قدرت با تمام قوا علیه حاکمیت استثمار شوندهگان و ستمدیدگان تلاش خواهد کرد. به همانگونه که تجربه شکست بزرگترین انقلاب کارگری در شوروی نشان داد، مبارزه طبقاتی در دوران ساختمان سوسیالیسم ابعاد جدیدی به خود خواهد گرفت و به سوال کلیدی کی بر کی پاسخ داده خواهد شد. اما در این دوره و در جریان پیشرفت ساختمان سوسیالیسم انگونه که تجربه شوروی نشان داد، نه تصور از بین رفتن طبقات و ایجاد دولت عموم خلقی، گذار به جامعه کمونیستی را ممکن خواهد کرد و نه ایجاد دیکتاتوری و سرکوب بوروکراسی حزبی - دولتی و غیر سیاسی کردن مردم قادر است واقعیات مبارزه طبقاتی و مشکلات ساختمان سوسیالیسم را حل کند.

سوسیالیسم از آزادی و دموکراسی جدایی ناپذیر است. بیان آزاد اندیشه و عقیده و آزادی سیاسی و دخالت و تصمیم گیری مستقیم مردم در برنامه ریزی، تولید، مبادله و در امر سیاست، فرهنگ و غیره تنها ضامن پیشرفت سوسیالیسم و ساختمان پیروزمندانه آن است. انقلاب مداوم و حضور و نقش مستقیم مردم در صحنه تولید، برنامه ریزی و اداره امور در ساختمان آگاهانه سوسیالیسم، تنها وسیله ای است که پیروزی طبقه کارگر و دیگر توده های مردم را بر اقلیت استثمار گر تضمین خواهد کرد بطوریکه هیچ قدرتی را یارای در هم شکستن آن نخواهد بود.

تنها روی کاغذ است نه در واقعیت)، پرداخت یارانه ی معیشتی، وعده ی بیمه و سبدهای معیشتی و هزار و یک ترفند دیگر برای گمراه کردن طبقات ستمدیده و علی الخصوص کارگران همچون تجویز استامینوفن است برای درمان سرطان! همانقدر موقت و همانقدر کم تاثیر.

اما رسیدن به جامعه ای که در آن دیگر از استعمار خبری نیست، دیگر کسی به خاطر شغلش برتری ندارد، سیستمی که عدالت محور است و مردمانش هر روز دغدغه ی شام شب را ندارند منوط است به آگاهی. آگاهی طبقاتی، یگانه راهی است که میتواند این چرخه ی معیوب را برای همیشه به زباله دان تاریخ بفرستد. در کمال تعجب هنوز هم کارگرانی یافت میشوند که معتقدند کارگر به یک روز در تقویم نیازی ندارد بلکه بله پرداخت به موقع حقوقش نیاز دارد! اما این مسئله از کجا نشأت میگیرد؟ غیر از این است که گوینده به وضع سیستم، طبقه ی حاکم و طبقه ی خودش، حقوق اولیه و ابتدایی خودش آگاه نیست؟! او باید آگاه شود از این موضوع که اگر مبارزات دیروز نبود وضع امروزش از همین حالا هم بدتر بود. او باید بداند طبقه ی کارگر چه هزینه ی سنگینی برای رسیدن به امروز خودش پرداخته است. او باید مطلع شود که روز کارگر، داشتن اتحادیه، حق اعتراض و اعتصاب فراتر از یک کار نمادین اند و اگر قرار باشد حالا جلوی کارفرما و سیستم کوتاه بیاید و نهایت انتظارش از کارفرما را پرداخت به موقع همین دستمزد بخور و نمیر بداند باید بزودی زود منتظر جنایت های بزرگتر و شدیدتر از سوی کارفرمایش باشد. چرا که قانون جنگل ایجاب میکند قوی ضعیف را بلعد و جنگل سرمایه داری نیز از این قاعده مستثنا نیست! پس بیایید تمام توان خود را در راه آگاه سازی طبقاتی بگذاریم و نفس کشیدن را برای سرمایه داری حاکم سخت و سخت تر کنیم تا شاهد آخرین نفس هایمان باشیم.

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد اتحاد دانشجوی، معلم، کارگر

گرامی باد یازدهم اردیبهشت مصادف با یکم می روز جهانی کارگر



اعلایه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست خیزش توده ای علیه گرانی و فلاکت ، علیه جمهوری اسلامی

به دنبال سلاخی بیشتر سفره های خالی مردم توسط رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ، حذف ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی ، شبخون به آخرین "سنگرهای غذایی" اردوی کار و رنج نیز آغاز شده است . با ده برابر شدن بهای آرد صنعتی و سهمیه بندی "نان سنتی" و نیز دو تا پنج برابر شدن بهای چندین کالای اساسی نظیر: گوشت، تخم مرغ ، لبنیات ، روغن ، برنج و ماکارونی ، شاهد موجی از اعتراضات توده ای در شهرهای مختلف ایران هستیم . این اعتراضات که از روز سه شنبه ۲۰ اردیبهشت در شهرهای ایذه ، سوسنگرد ، شادگان و ... در خوزستان آغاز شده بود ، این اعتراضات به رغم سرکوبگری نیروهای مسلح رژیم جنایتکار و آدمکش جمهوری اسلامی در روزهای اخیر به سرعت به دیگر شهرهای این استان و شهرهایی از دیگر استانها از جمله چلیچله ، دورد ، بروجرد، دهدشت، جونقان ، بهبهان ، بوی احمد ، اهواز ، ماهشهر ، اندیمشک ، سوقه ، خرم آباد ، چهارمحال بختیاری ، هندیجان ، اردبیل ، رشت ، ایگودرز ، شهر کرد ، آبادان ، خرمشهر ، کرمانشاه ، شیراز ، دزفول ، سرپل زهاب و ... کشیده شده و هم اینک در حال گسترش به استان ها و شهرهای دیگر است . اعتراضات توده ای این چند روزه ، همزمان بود با فراخوان سراسری "شورای هماهنگی تشکل های فرهنگیان" برای روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت که با شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" و تاکید مجدد بر خواسته های معیشتی و اجتماعی خود به میدان آمده بودند . اعتراضاتی که بر اساس گزارش شورای هماهنگی معلمان، حداقل در ۳۰ شهر برگزار گردید . واکنش جمهوری اسلامی چه در ارتباط با حرکت سراسری معلمان و چه در واکنش به اعتراضات توده ای علیه موج جدید گرانی همانا دستگیری و ضرب و شتم دهها معلم و مردم مبارز و نیز استفاده از گاز اشک آور و تیر اندازی برای مقابله با مردم معترض بود .

در اعتراضات توده ای اخیر، همچون خیزش های دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ شاهد شعارهای ضد حکومتی و سرنگون طلبانه بودیم . شعارهایی نظیر: "توپ ، تانک ، فشفسه ، آخوند باید گم بشه" ، "مرگ بر دیکتاتور" ، "رئیسای دروغگو ؛ حاصل وعده هات کو" ، "رئیسای حیا کن مملکتو رها کن" ، "مرگ بر رئیسای" ، مرگ بر خامنه ای" و غیره .

در شهر "جونقان" مردم معترض و خشمگین از سر نفرت از مراکز قدرت و سرکوب رژیم اسلامی ، اقدام به تسخیر و آتش زدن پایگاه بسیج کردند و در برخی از شهرها نیز مردم عاصی از موج گرانی و فقر، به سوپرمارکت های بزرگ حمله کرده و سعی کردند با مصادره مواد غذایی ، بخشی از نیاز خود و خانواده خویش را تامین کنند .

همزمان با اعتراضات سراسری معلمان و گسترش اعتراضات توده ای علیه موج جدید گرانی ، شاهد مقاومت درخشان زندانیان سیاسی و اعتصاب غذای چند تن از آنان از جمله اسماعیل عبدی در دفاع از جنبش معلمان و جنبش های اجتماعی هستیم . جمهوری اسلامی در ادامه پیشبرد سیاست سرکوبگرانه خود ، با یورش به منزل رضا شهبانی (عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران) اقدام به بازداشت او و ضبط تلفن ، کامپیوتر و وسایل شخصی او نمود .

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن حمایت قاطع از دور جدید اعتراضات توده ای علیه گرانی و فلاکت و علیه جمهوری اسلامی ، کارگران ، معلمان و همه اقشار تهیدست جامعه را به برپایی اعتصاب و اعتراض و گسترش اعتراضات برای پایان دادن به فقر و فلاکت و اختناق و جمهوری جنایتکار اسلامی فرا می خواند و از همه فعالین چپ و انقلابی در ایران میخواهد که با حضور موثر در این جنبش ها و تقویت سازماندهی، تشکل یابی ، همبستگی و بردن شعارهای رادیکال طبقاتی به میان مردم ، به تقویت بدیل و گفتمان سوسیالیستی در جامعه بپردازند و مانع از دست اندازی اپوزیسیون راست بورژوازی بویژه سلطنت طلبان شوند .

همزمان در خارج از کشور، باید از طریق برپایی آکسیون های حمایتی ، از اعتراضات توده ای و کارگری مردم ایران حمایت کنیم و از همه اتحادیه های کارگری و نهادهای مستقل بشردوستانه و مترقی بین المللی بخواهیم که همبستگی خود با جنبشهای کارگری و اجتماعی ایران را گسترش دهند و بویژه خواستار آزادی فوری همه دستگیرشدگان وقایع اخیر و کلیه زندانیان سیاسی شوند .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ، حزب کمونیست

ایران ، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ،

سازمان راه کارگر ، سازمان فدائیان (اقلیت) و

هسته اقلیت

زنده باد جنبش کارگری و انقلابی مردم ایران

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

چهاردهم ماه مه ۲۰۲۲ برابر با بیست و چهارم اردیبهشت ۱۴۰۱

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست سیاست های راسیستی جمهوری اسلامی علیه مهاجران افغانستانی را قویا محکوم می کنیم!

حقوقی جمهوری اسلامی مواجه اند. از این رو، توده های مردم ایران و افغانستان درد مشترکی را بر دوش می کشند و لذا، برای رهایی از این درد مشترک و رهایی از وضعیتی که توسط رژیم های جمهوری اسلامی و طالبان بر آنان تحمیل شده است، باید همدرد و پشتیبان هم باشند و برای سرنگونی رژیم های ارتجاعی و سرکوبگر حاکم بر دو کشور در کنار هم قرار گیرند. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، اعمال هرگونه فشار و تبعیض نژادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی علیه پناهجویان و مهاجران افغان را قویا محکوم می کند. ما از حق شهروندی برابر برای افغانستانی های ساکن ایران که بخش بزرگی از طبقه کارگر زحمتکش ما را تشکیل می دهند، دفاع می کنیم و آنرا حق طبیعی و انسانی آنها می دانیم. در همین راستا، ما طبقه کارگر و توده های مردم ایران و افغانستان را به همدلی و همدردی برای رزم مشترک در مقابل رژیم های دینی و سرمایه داری حاکم بر ایران و افغانستان فرا می خوانیم.

زنده باد همبستگی توده های مردم ایران و افغانستان

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
دوم اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۲۲ آپریل ۲۰۲۲
امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت**

هم ادامه دارد. واقعیت این است که اعمال سیاست نژادپرستانه جمهوری اسلامی علیه مهاجرین و پناهجویان افغانی موضوع جدیدی نیست. این سیاست تبعیض آمیز طی سالیان متمادی و به اشکال مختلف در رسانه های رسمی رژیم تبلیغ و به خورد مردم داده می شود و بعضا بخشی از مردم ناآگاه کشور را به رو در رویی علیه پناهجویان و مهاجران ستمدیده افغانستان سوق می دهد. این همه تبلیغات علیه مهاجران افغان در شرایطی صورت می گیرد که جمهوری اسلامی بابت هر پناهجو و مهاجر افغانستان مبالغ هنگفتی پول از سازمان ملل دریافت می کند، اما کمترین حق و حقوقی برای آنان قائل نیست. در واقع مردم افغانستان هم از طرف طالبان با سرکوب و تبعیض و بی حقوقی مواجه اند و هم زمانی که به عنوان مهاجر به ایران پناه می آورند، با سیاست های راسیستی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی روبرو می شوند. در حالی که این حق مردم افغانستان است که به خاطر شرایط فاجعه بار حاکم بر افغانستان چه قبل از طالبان و چه اکنون که طالبان بر سریر قدرت است، برای نجات جان خود و برخورداری از حقوق انسانی به کشورهای دیگر پناه ببرند.

بر کسی پوشیده نیست، سرکوب و تبعیض و اقدامات نژادپرستانه ای را که مهاجران افغانستانی در ایران متحمل می شوند، ادامه همان سیاستی است که جمهوری اسلامی طی ۴۳ سال علیه توده های مردم ایران روا داشته است. همانگونه که مردم افغانستان زیر مهمیز رژیم های ارتجاعی پیشین و طالبان امروز قرار گرفته اند، توده های مردم ایران نیز بیش از چهار دهه است که با سرکوب و بی

طی دو هفته گذشته، سیاست های سرکوبگرانه و راسیستی جمهوری اسلامی علیه پناهجویان و مهاجران ستمدیده افغانستان به شکل آشکاری تشدید شده است. اگرچه سیاست های نژادپرستانه جمهوری اسلامی علیه مهاجران افغانستان بحث دیروز و امروز نیست، اما با شروع مهاجرت گسترده تر مردم افغانستان بعد از استقرار مجدد حکومت طالبان و پس از آن در پی حمله روز سه شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۱، به ۳ آخوند مزدور در مشهد که منجر به مرگ دو تن از آنان شد، موج جدیدی از سرکوب و نفرت پراکنی علیه مردم ستمدیده افغانستان و به طور اخص مهاجران افغانستانی ساکن ایران ایجاد شده است.

اصرار مقامات جمهوری اسلامی از جمله ابراهیم رئیسی و دادستان کل، درست در همان ساعات اولیه بعد از حادثه مشهد و تاکید آنان مبنی بر اینکه قاتل "تکفیری" و از مهاجران افغانستان بوده است، عملا فضا را برای انجام گسترده تر اقدامات راسیستی و سرکوبگرانه نیروهای رژیم علیه پناهجویان و مردم افغانستان فراهم کرد.

یک روز بعد از حادثه، فضا سازی و نفرت پراکنی علیه مهاجران افغانی آنچنان شدت یافت، که محمود احمدی بیگش، نماینده مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی در توئیتر نوشت: "حمله گستاخانه تبعه افغانی به سه روحانی در صحن حرم مطهر امام رضا، نشان از اتفاقات ناخوشایندی توسط مهاجران بی هویت افغانی برای کشور در آینده دارد." و بدین گونه بود که موج جدیدی از سرکوب و تبلیغ سیاست نژادپرستانه علیه مردم افغانستان و مهاجران این کشور توسط رسانه های جمهوری اسلامی شکل گرفت که هنوز

بمناسبت هفتاد و هفتمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم



در تاریخ مبارزات کارگران و توده های مردم تحت ستم و استثمار برای رهایی و ساختن جامعه ای عاری از هرگونه ظلم و ستم و استثمار، رویدادهایی وجود دارند که نه تنها نباید اجازه داد آنها به دست فراموشی سپرده شوند بلکه مهمتر از همه باید با جعلیات و تحریفات دشمنان طبقه کارگر و آزادی و سوسیالیسم درباره این رویداد های تاریخی نیز مبارزه نمود .

نهم ماه مای ۱۹۴۵ روز شکست فاشیسم بدست توانای ارتش سرخ اتحاد شوروی از جمله آن رویدادهای بزرگ تاریخی است که دشمنان غدار طبقه کارگر و کمونیسم و جانباختن نظامهای سرمایه و ثروت مدام در تلاش بوده و هستند تا آنها را با جعلیات خود تحریف کنند و متأسفانه دوستان نادان طبقه کارگر نیز که بوسیله خورده بورژوازی و افکار و اندیشه های آن احاطه شده اند با تکرار این جعلیات در تلاش هستند تا با حمله به دستاوردهای اتحاد شوروی و طبقه کارگر و کمونیست هائی که انقلاب اکتبر را برپا داشتند ، هویتی جعلی و قابل عرضه در بازار آزاد سرمایه برای خود دست و پا کنند.

امسال در حالی هفتاد و هفتمین سالگرد آن روز پرشکوه تاریخی و برافراشته شدن پرچم سرخ پیروزی کارگران برفراز مرکز فرماندهی فاشیسم و شکست کامل آلمان نازی را پاس میداریم که بیش از دو ماه از شعله ور شدن جنگ در اکراین سپری میشود جنگی که رقابت بین انحصارات امپریالیستی در رقابت با سرمایه داران روسی و فراتر از آن تسلط بر منابع و بازارها و راه های مبادلاتی روسیه علت و العلل آن محسوب میشود ، در نتیجه تداوم بحران اقتصادی و تعمیق شکاف

طبقاتی شاهد رشد وسیع فاشیسم و نازیسم و نژادپرستی و ناسیونالیسم در سطح کشورهای معظم سرمایه داری هستیم و اکنون کاربجائی رسیده است که ”دموکراسی های غربی“ با اعمال اقتدار بر رسانه های مسلط به همراهِ رسانه های وابسته به انحصارات امپریالیستی در تقویت جریانات نازیستی و مسلح کردن آنها به آخرین سلاح های پیشرفته در تلاش های مکرر برای جعل تاریخی با هدف فراموش کردن نقش تعیین کننده اتحاد جماهیر شوروی در مبارزه و شکست نهائی فاشیسم هستیم.

تداوم تلاشها برای جعل تاریخ جنگ جهانی دوم در سالهای اخیر ابعاد بی سابقه ای بخود گرفته است ، از ممنوع کردن پرچم سرخ در آلمان گرفته تا از بین بردن نوشته و نمادهای همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان و دست آوردهای عظیم اقتصادی اجتماعی فرهنگی و سیاسی اتحاد طبقه کارگر و زحمتکشان در شوراها ، اخیراً بی شرمی در تحریف و جعل تاریخی را بجائی رسانده اند که تو گوئی این اتحاد شوروی بوده که جنگ دوم جهانی را راه انداخته است نه فاشیسم هیتلری .

حقیقت تاریخی این است که کمونیست ها اولین هدف و اولین قربانیان فاشیسم و نازیسم بودند، و در همان حال عظیم ترین و حماسی ترین مقاومت های ضد فاشیستی در مبارزه با نازی ها از خود به یادگار گذاشتند و در این میان کارگران و زحمتکشان شوروی، حزب کمونیست آنها و ارتش سرخ بودند که بزرگترین و تعیین کننده ترین سهم را در شکست فاشیسم ایفا کردند و انترناسیونالیسم خود را با تلفات بیش از ۲۰ میلیون نفر از فداکارترین انسان ها و کادرهای کارگری اتحاد جماهیر شوروی که می توانستند در ساختمان سوسیالیسم که در حال شکوفای بود ایفا کنند، پرداختند. نبردهای قهرمانانه مسکو، لنینگراد و استالینگراد که تنها با برتری سوسیالیسم ممکن شد، هرگز فراموش نمی شوند.

در دوم ماه مای ۱۹۴۵ ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی، با پشتیبانی توده های کارگر و زحمتکش این کشور توانست آخرین سنگرهای ارتش نازی را درهم شکسته و وارد برلین پایتخت آلمان شود و لحظاتی بعد یکی از سربازان ارتش سرخ از ستونهای رایشتاک بالا رفت و پرچم سرخ را به نشانه شکست



نشریه سیاسی و تحلیلی
کارکمونئیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و درالویت
قرار خواهد داد که مستقیماً برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.
از طریق ایمیل ادرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود
را با در میان بگذارید.

kar@fedayi.org

کار کمونئیستی آخر هرماه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان
کمونئیست منتشر می شود.
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان
کمونئیست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید :

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

قطعی فاشیسم بر فراز آن برافراشت. و در هشتم ماه می قرارداد تسلیم بلا قید و شرط کلیه نیروهای ارتش آلمان به امضاء رسید.

بدین ترتیب روز نهم می روز رهائی بشریت از چنگ فاشیسم و روز تسلیم بلا قید و شرط جنایتکاران نازی در تاریخ به ثبت رسید. این روز همچنین روز یادمان بیش از ۲۷ میلیون از کارگران و زحمتکشان و کمونیستهای اتحاد جماهیر شوروی و میلیونها نفر دیگر از مبارزین رهائی از شرفاشیسم در سرتاسر جهان است که در مقابله با آلمان نازی جان باختند. و آنچه که پیروزی قطعی بر فاشیسم را ممکن کرد همین فداکاری و از جان گذشتگی بی نظیر طبقه کارگر و خلقهای زحمتکش اتحاد شوروی بود که در صفوف ارتش سرخ و سایر ارگانهای آن سازمان یافته بودند و بار عمده و اساسی جنگ و پیروزی بر فاشیسم را بردوش داشتند.

ظهور فاشیسم نتیجه بلا فصل بحران سرمایه داری بود که بعد از بحران عظیم ۱۹۲۹، برای حفظ نظام با گزینه فاشیسم دست به بی رحمانه ترین جنایات و سرکوب زد و در این تهاجم وحشیانه طبقه کارگر، کمونیست ها و بویژه خلق های اتحاد شوروی امواج اصلی ترین حملات بودند و بیشترین خسارات و تلفات انسانی را متحمل شدند. کمونیستها همیشه در صف نخست مبارزه علیه فاشیسم و نژاد پرستی قرار داشتند و بمثابه پیشقراولان و سازماندهندگان مقاومت علیه فاشیسم خود نیز نخستین قربانیان آن بودند.

امسال در شرایطی هفتاد و هفتمین سال این پیروزی بزرگ را پاس میداریم که دو جمهوری سابق اتحاد شوروی که در آن زمان نقش بسزای در مبارزه علیه فاشیسم داشتند صحنه جنگی ارتجاعی و رقابت بین اولیگارشیه های حاکم بر این کشورها شده است. جنگی ویرانگر که نتیجه مستقیم تشدید تضادهای کشورهای امپریالیستی بر سر تجدید تقسیم مناطق نفوذ، دست یابی به حوزه های مواد خام، انرژی، نیروی کار ارزان و بازار مصرف و راه های مبادلات تجاری زمینی و دریائی و غیره است.

استراتژی آمریکا، اتحادیه اروپا گسترش ناتو به مرزهای روسیه بمنظور رقابت با نظام سرمایه داری روسیه، مهار چین و کنترل بر بازارها، مواد خام و شبکه های حمل و نقل صورت میگیرد بنابراین جنگ کنونی بین روسیه و اوکراین بخشی از درگیری و رقابت انحصارات امپریالیستی محسوب میشود که در نهایت بین روسیه از یک طرف و آمریکا و متحدین آن از سوی دیگر به نقطه اوج رسیده و در اوکراین پهناورترین کشور اروپائی هم مرز با روسیه کانونی شده است.

در شرایط کنونی که بحران سرمایه داری نظیر بحران ۱۹۲۹ وارد مرحله خطرناکی شده است ظهور مجدد فاشیسم و خطر وقوع جنگهای دیگر در ابعادی وسیع و جهانی امری دور از واقعیت نیست. سرمایه داری برای خلاصی از بحران ده ها جنگ را سازمان داده است با دخالت های نظامی مستقیم، جنگهای نیابتی، تشدید استثمار و سرکوب به دنبال راه گریز از تبعات بحرانی است که خود ناشی از تضاد های نظام سرمایه داری بوده و خلاصی از آنها جز از طریق انقلاب اجتماعی و برانداختن نظام سرمایه داری ممکن نیست.

در هفتاد و هفتمین سالگرد فتح برلین توسط ارتش سرخ و شکست فاشیسم، یاد و خاطره تمام رزمندگان و جانبازان ارتش سرخ اتحاد شوروی و همه کمونیستها و دلاوری و ازجان گذشتگی مبارزان ضد فاشیست که زندگی خود را وقف رهائی بشریت از شر فاشیسم کردند، را گرامی داریم.

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورائی !